

**The Correlation between Islamic Revolution Discourse  
and Iranian Islamic Identity -  
Based on the Theoretical Model of Identity-Based Will -  
Based on the Effectiveness of Islamic Revolution Textbooks**

**Mostafa Najafi\***

**Farhad Ziviyar\*\***

**Abstract**

**Objective:** The present study investigates the barriers to the impact of education courses on students considering social inferiority factor and identity crisis and assesses the relationship between education courses and the mentioned factors. **Method:** The method used in this combined research is theoretical in the way of studying social and sociological theories in the form of documents and libraries and in the quantitative section is descriptive (survey type). Based on probability sampling, 250 students from different universities The Tehran Azad Center - both boys and girls - were tested in a targeted manner using a questionnaire. **Findings:** Barriers affecting education courses include three dimensions: 1. Weakness in identity building (lack of need assessment and social inferiority model), 2. Weakness in audience evaluation and persuasion, 3. Weakness in innovation and attractiveness, which are for each Suggestions have been made. **Conclusion:** Paying attention to psychological and sociological needs, innovation and creativity within the framework of Islamic ideas and values, valorizing the native humanities and reinforcing the insights of students and researchers; Make.

\* political sciences, azad univercity, (Corresponding Author), mostafa.najafi@gmail.com

\*\* Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran, ziviyar@ihcs.ac.ir

Date received: 28/09/2021, Date of acceptance: 19/11/2022



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

**Keywords:** Islamic Revolution Textbooks, Social Inferiority, National Identity, Social Psychology, Effectiveness Islamic Revolution Textbooks, Social Inferiority, National Identity, Social Psychology, Effectiveness.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## رابطه گفتمان انقلاب اسلامی و هویت ایرانی اسلامی؛ بر پایه الگوی نظری اراده معطوف به هویت؛ با تکیه بر میزان اثرگذاری کتب درس انقلاب اسلامی

مصطفی نجفی\*

فرهاد زیویار\*\*

### چکیده

**هدف:** محققان در پژوهش حاضر به بررسی موانع تأثیرگذاری دروس معارف بر دانشجویان - با در نظر گرفتن عامل حقارت اجتماعی و بحران هویت - پرداختند و میزان ارتباط دروس معارف با عوامل مذکور را سنجیدند. **روش:** روش تحقیق در این پژوهش ترکیبی، در بخش نظری به شیوه بررسی نظریات روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی، بصورت اسنادی و کتابخانه‌ای و در بخش کمی، توصیفی (از نوع پیمایشی) است؛ که بر اساس نمونه‌گیری احتمالی، ۲۵۰ نفر از دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه آزاد تهران مرکز - بصورت مساوی دختر و پسر - به شیوه هدفمند و با استفاده از پرسشنامه مورد آزمون قرار گرفتند. **یافته‌ها:** موانع تأثیرگذار بر دروس معارف، شامل سه بعد: ۱. ضعف در هویت‌سازی (عدم توجه به نیازسنجی و الگوی حقارت اجتماعی)، ۲. ضعف در ارزش‌گذاری و اقتناع مخاطب، ۳. ضعف در نوآوری و جذابیت، بوده؛ که برای هر کدام پیشنهادهای ارائه شده است. **نتیجه‌گیری:** توجه به نیازمندی‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی، نوآوری و خلاقیت در

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی (نویسنده مسئول)، mostafa.najafi@gmail.com

\*\* استادیار علوم سیاسی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی، zivyar@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۸



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

چهارچوب اندیشه‌ها و ارزش‌های اسلامی، ارزش دادن به علوم انسانی بومی و تقویت بینش دانشجویان و محققان؛ استقبال از رویکردهای نوین در تدریس دروس معارف؛ می‌تواند موانع تاثیرگذاری دروس معارف بر دانشجویان را کم‌رنگ سازد.

**کلیدواژه‌ها:** دروس معارف؛ حقارت اجتماعی؛ هویت ملی؛ روانشناسی اجتماعی

## ۱. مقدمه

آلفرد آدلر (۱۸۷۰ - ۱۹۳۷)؛ از روانشناسان بنام اتریشی بود؛ که معمولاً وی را به عنوان نخستین پیشگام «روانشناسی اجتماعی» در روانکاوی تلقی می‌کنند، وی در آغاز با فروید همکاری می‌کرد؛ اما در سال ۱۹۱۱ از فروید جدا شد، چرا که دیدگاه‌های وی از بسیاری جهات با نظریات فروید تفاوت داشت و تأکید فروید - بر عوامل جنسی را - آشکارا مورد انتقاد قرار می‌داد؛ عمده تفاوت وی با فروید در نگاه جامعه‌محور آدلر به ساخت انسان است؛ برخلاف فروید که انسان را در میان فردیت و غرائز محصور می‌کند.

آدلر به صراحت انسان را دارای یک حس جامعه دوستی و دارای علایق اجتماعی برمی‌شمارد و اذعان دارد که انسان نسبت به سرنوشت خود و جامعه خود حساسیت و علاقه دارد. وی در اواخر عمر خود به این اعتقاد رسید که آدم اجتماعی به دنیا می‌آید و به اجتماعی بودن خود علاقه‌مند است. این «علاقه اجتماعی» در نوع آدمی، فطری و ذاتی است و مانند بسیاری از غرایز فطری دیگر، نیاز به تماس داشتن با عالم بیرون و راهنمایی و تربیت دارد. تماس کودک با عالم خارج در آغاز از طریق مادر و خانواده، سپس از طریق مدرسه و بالاخره در جامعه، با مردمان دیگر صورت می‌گیرد؛ این تماس‌ها سبب پرورش حس اجتماعی و آموختن احساس مسئولیت و همکاری می‌شود. از سوی دیگر احساس برتری‌جویی فرد که در آغاز شخصی و فردی بوده، کم‌کم جنبه اجتماعی پیدا می‌کند؛ مثلاً فرد به مصالح اجتماعی و هم‌نوع دوستی می‌اندیشد و کمال خود را در این زمینه‌ها می‌جوید. از نظر آدلر کسانی که احساس علاقه اجتماعی ندارند، ممکن است به افرادی نامطلوب از نظر اجتماعی، مانند روان‌رنجور، مجرم و مستبد و... تبدیل شوند. (کریمی؛ ۱۳۸۵؛ ۱۵۱)

آدلر برخلاف فروید، معتقد بود که رفتار انسان توسط غرایز و تکانه‌ها تعیین نمی‌شود، بلکه تابع هدف‌هایی است که رو به سوی آینده دارند (رسیدن به کمال و برتری). (شولتز؛ ۱۳۸۴؛

۹۵) به نظر وی، هدف‌های کلی ما آرمان‌های خیالی هستند که نمی‌توان آن‌ها را در برابر واقعیت سنجید.

وی در این مورد، مفهوم «غایت‌نگری تخیلی» (fictional finalism) را بیان می‌کند، به این معنی که اندیشه‌های انتزاعی (مانند آرمان) وجود دارند که ما به وسیله آن‌ها مسیر زندگی خود را هدایت می‌کنیم.

بطور مثال مفاهیم دینی اکثراً نمونه‌ای از این آرمان در زندگی بشر محسوب می‌شود. (شولتز؛ ۱۳۸۴؛ ۱۴۸) هر یک از ما برای غلبه بر احساس حقارت خود و دستیابی به برتری تلاش می‌کنیم و برای رسیدن به این هدف، روش‌ها، رفتارها و روال خاص خود را پی می‌گیریم. آدلر این الگوی منحصر به فرد از ویژگی‌ها، رفتارها و عادت‌ها را «سبک زندگی» نامیده است. (شاملو؛ ۱۳۸۲؛ ۹۲)

وی معتقد است این سبک زندگی، از تعامل سه عامل بدنی، روانی و اجتماعی شکل می‌گیرد. به بیان دیگر سبک زندگی بر اساس تعامل‌های اجتماعی که در سال‌های نخست زندگی صورت می‌گیرد، ایجاد می‌شود. و این جریان در سن ۴ یا ۵ سالگی چنان تبلوری می‌یابد که پس از آن، دگرگونی‌اش دشوار است. در واقع از دید آدلر، هر فرد با اراده آزاد خویش، مناسب‌ترین سبک زندگی را برای خود می‌آفریند و هر گاه این سبک زندگی خلق شد، دیگر در طول زندگی ثابت می‌ماند و منش بنیادین ما را می‌سازد. (شولتز؛ ۱۳۸۴؛ ۱۴۸-۱۴۹)

نگارنده در پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری خود با استفاده از نظریه آدلر در حوزه روان‌شناسی اجتماعی موفق به ارائه الگویی نظری، برای تئوریزه کردن علل وقوع انقلاب‌های سیاسی - اجتماعی شد که در آن دو تحقیق؛ این الگو، «اراده معطوف به هویت» نام گرفت؛ و این دو تحقیق دانشگاهی موفق به اثبات این مهم شدند که سرمنشاء تمامی انقلاب‌ها در درجه اول وقوع «حقارت اجتماعی» ناشی از «بحران هویت» در یک جامعه است؛ در بررسی نظریات آدلر و انطباق آن با نگرانه‌های موجود پیرامون بسیاری از انقلاب‌ها به این اعتقاد می‌رسیم که هرگاه یک یا چند عامل در جامعه رفته‌رفته جامعه را در وضعیتی قرار دهد که ارکان و ستون‌های سازنده «هویت ملی» جامعه مخدوش شود، آن جامعه به «حقارت اجتماعی» مبتلا می‌شود؛ این پدیده در میان نخبگان اجتماعی و توده‌های عمومی رفتاری متفاوت را بجای خواهد گذاشت؛ به طوری که توده‌های عوام، با ورود به مرحله حقارت اجتماعی به «خوداجنبی‌پنداری» مبتلا شده و سپس مرحله «هراس اجتماعی» در آن‌ها

آغاز می‌شود؛ اما در حوزه نخبگان، جامعه به «شکاف نخبگان» مبتلا می‌شود و این شکافت به تولید مضاعف «هراس اجتماعی» دامن می‌زند. (نجفی؛ ۱۳۹۴؛ ۷۰-۷۱)

بطور کلی عوامل ضدهویت یا تحقیرکننده اجتماعی؛ می‌تواند ناشی از انواع بحران‌های اجتماعی (شیوع بیماری‌ها، اعتیاد؛ مشکلات اقتصادی و معیشتی مانند تورم، بی‌کاری...؛ جنگ یا تبلیغات مسموم و یا بحران‌های بین‌المللی؛ معضلات و درگیری‌های سیاسی - فرهنگی؛ تبعیض و فساد اداری و قضایی؛ ایجاد اختلال در اعتقادات و اصول اعتقادی و دینی؛ بحران در حوزه مسائل جنسی مانند ازدیاد فحشاء، بالارفتن سن ازدواج یا کاهش سن بلوغ ...؛ هدررفت منابع ملی؛ تحقیر و تخریب نمادها و هویت‌های تاریخی - قومیتی و... باشد.

در چنین وضعیتی، عوام یک جامعه ابتدا دچار حس «خوداجنبی‌پنداری» شده؛ یعنی بواسطه عملکردی که حکومت در قبال تغییر فرهنگ یا باورهای عمومی (هویت) یک جامعه دارد؛ بخصوص در شرایطی که این تغییر در درون اتفاق بیفتد؛ احساس تباهی و بیگانگی با شرایط روز را دارند. این احساس تباهی (خوداجنبی‌پنداری)، افراد را به سمت بی‌تفاوتی، پرخاشگری و خشونت‌های اجتماعی متمایل می‌سازد؛ که مجموعه این خشونت‌ها «هراس اجتماعی» را شکل می‌دهند؛ روانشناسان، علل زیادی را برای شیوع هراس اجتماعی (خشونت اجتماعی) برشمارده‌اند؛ اما مهمترین عوامل شیوع این پدیده را در دو عامل می‌دانند:

اول) تقویت پرخاشگری به علت ضرر و زیان اجتماعی - فرهنگی (هویتی): به عنوان مثال در بعضی مواقع به علت جنگ یا عوامل دیگر، پرخاشگری در جامعه تقویت می‌شود؛ بدیهی است در چنین وضعیت پرخاشگری با فراوانی بیشتر در افکار با تخیلات و اعمال افراد آن جامعه مشاهده می‌شود، چون جامعه به دلیل مقتضیات زمانی و مکانی خود پرورش آن را ضروری می‌داند.

دوم) مشاهدات اجتماعی، مشاهده وقایع و اتفاقاتی که در جامعه رخ می‌دهد: مانند درگیری‌های اجتماعی محدودیت‌های اجتماعی تبعیضات و بی‌عدالتی‌ها... سبب ایجاد خشم و پرخاشگری در عموم جامعه می‌شود. (اکبری؛ ۱۳۸۱؛ ۱۹۹ - ۲۰۰)

آنچه که براساس نظریات مقبول و معروف روانشناسی قابل درک است، این مهم است که در شرایط پرخاشگری اجتماعی، در سطح جامعه، رفتارهای نامتعارف و عصیبت‌گرایی پیدا می‌کنند و اینجاست که معضلاتی چون افزایش چشمگیر بزه و جرائم اجتماعی؛ در حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی؛ بالارفتن آمار خودآزاری، خودکشی، طلاق، کودک یا

همسرآزاری؛ بالا رفتن آمار تجاوزات به عنف؛ پایین آمدن آستانه تحمل عمومی و رشد درگیری های فیزیکی و همچنین تمایلات جامعه به سمت سنت ها و آداب و رسوم نامتعارف، پدیدار می شود.

اچ و سلی پرکینز و آلن برکویتز ( Alan D. Berkowitz & H. Wesley Perkins ) در سال ۱۹۸۶ نظریه ای را تحت عنوان هنجارهای اجتماعی مطرح کردند. این نظریه بیان می دارد که رفتارهای انسان به شدت به وسیله دریافت های نادرست در مورد چگونگی تفکر یا عمل سایر اعضای جامعه، تاثیر می پذیرد.

به عنوان مثال، دانشجویان سال اولی، معمولاً میزان مصرف دخانیات و الکل در محیط دانشگاه را بیش از اندازه تخمین می زنند. این نظریه سپس پیش بینی می کند که بیش تخمینی مشکلات رفتاری باعث افزایش احتمال بروز رفتارهای خطرناک بین این دانشجویان خواهد شد. به طور مشابه، برآورد کم در مورد رفتارهای درست، باعث دلسرد شدن افراد در انجام آن می شود؛ بنابراین تمرکز روی تصحیح دریافت های نادرست نرم های گروه، احتمالاً باعث کاهش مشکلات رفتاری و رواج بیشتر رفتارهای درست می شود. طبق نظریه پرکینز - برکویتز، این اثرگذاری بر مبنای این واقعیت است که ما به آنچه درباره اعمال و عقاید دیگران فکر می کنیم (هنجارهای درک شده) بیشتر از اعمال و عقاید واقعی آنها (هنجارهای واقعی) وزن می دهیم. شکاف بین هنجار درک شده و واقعی، تصور غلط نامیده می شود و اثر آن روی رفتارها، مبنای رویکرد هنجارهای اجتماعی را فراهم می آورد. (کاتلر؛ ۸۹/۱۱/۲۰) یکی از عوامل مهم رشد بزه اجتماعی در توده ها - زمانی که حقارت اجتماعی در جامعه شکل می گیرد - به وجود آمدن همین عامل «تصور غلط» است؛ یعنی توده ها به دلیل عدم واقع بینی و اطلاع از مسائل واقعی مسائل را با بزرگنمایی به مراتب بیشتر از آنچه که هست تصور می کنند؛ همین امر موجب تولید تصاعدی هراس اجتماعی شده و ترس برخاسته از این تصورات همواره جامعه را رادیکالیزه و تندمزاج می کند.

نگارنده در تحقیقات خود در حوزه روانشناسی اجتماعی، به آرای بر خورد کرد که فی الواقع موبد نظر و الگوی نظری وی در حوزه نخبگان بود؛ بدین سان که وقتی عامل پرخاشگری، هویت جامعه را به مخاطره می اندازد، از دو جنبه نخبگان این عامل را لمس می کنند:

اول) اینکه بر پایه اصل علاقه اجتماعی آدلر؛ نخبگان به دلیل مشارکت بالاتر اجتماعی نسبت به سایر مردم؛ نسبت به وقوع خشونت و جرائم اجتماعی بسیار حساس هستند؛ بنابراین

چه بسا قبل از درک عامل حقارت اجتماعی؛ توجه نخبگان به سمت رشد خشونت و معضلات اجتماعی جلب شود.

دوم) نخبگان به دلیل بالابودن سطح معلومات عمومی و مشارکت اجتماعی، دسترسی به رسانه و شأنت اجتماعی، کمتر دچار تردید درونی شده و بیشتر مصائب و مشکلات جامعه را در گروی ناکارآمدی رقبای موازی و یا محقق نشدن ایده‌آل‌های گروهی و حزبی خودشان می‌بینند؛ این شرایط باعث می‌شود، رفتار آنها به سمت سیاست‌های حذفی گرایش پیدا می‌کند؛ در چنین حالتی عموماً نخبگان علمی، ناکارآمدی را از دخالت نهادهای دیگر در امور تخصصی جامعه برمی‌شمارند؛ نهادهای عقیدتی، ناکارآمدی را از بی‌دینی و اجنبی‌پرستی نخبگان علمی و... و این درگیری تا حدی ادامه می‌یابد که رفتارشان (نخبگان) نسبت به رقیب داخلی از دشمن خارجی رادیکال‌تر (حذفی‌تر) می‌شود؛ که در این حالت (طبق الگوی نظری ما)، «شکاف نخبگی» یا «گپ اجتماعی» (social inequality) رخ می‌دهد؛ در این میان برخی دیگر از نخبگان (عموماً نخبگان حکومتی)، ناکارآمدی را از زیرساخت‌های موجود جامعه اعم از اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی دیده و به واردات و تقلید از تکنولوژی یا مفاهیم کشورهای پیشرفته دست می‌زنند؛ که خود این تقلید؛ باعث تشدید تضاد (خوداجنبی‌پنداری) در جامعه پایین‌دستی و (شکافت) در لایه‌های نخبگی می‌شود. چرا که طبقات پایین‌دستی دوباره با مفاهیمی روبرو می‌شوند که سنخیتی با هویت آنها ندارد و بحران خلاء هویت (حقارت اجتماعی) را تشدید می‌کند؛ از سویی همین عمل دوباره حالت شکافت نخبگی و درگیری‌های بین حزبی را تشدید می‌کند. (نجفی؛ ۱۳۹۴؛ ۷۲)

... در این میان یکی از مهمترین نمادهای این مدل از شکاف؛ شکاف نسلی می‌باشد که در جوامع چندفرهنگی و در حال‌گذاری چون ایران، این گسست نسلی بیشتر خودنمایی می‌کند؛ در ایران به دلیل جمعیت بالای جوانان و تغییرات پیوسته در جنبه‌های گوناگون و همچنین رشد شبکه‌های ارتباطی که تا کنون سابقه‌ای در جامعه نداشتند و به تعبیری نوظهور هستند؛ ارزش‌هایی متفاوت با هنجارها و باورهای متفاوتی را ایجاد کرده‌اند؛ از آنجا که ارزش‌های نوظهور تقریباً هیچ قرابتی با ارزش‌های سنتی جامعه ندارند؛ یکی از مهمترین و بحرانی‌ترین کانون‌های بی‌ثباتی حوزه فرهنگ و هویت شده است.... این امر زائیده اختلال در فرایند انتقال ارزش‌ها و هنجارها نارسایی در فرایند اجتماعی شدن؛ کاهش مقبولیت و مشروعیت گروه‌های مرجع ارزشی را در پی دارد؛ بر اثر این فروپاشی اعتماد - بین نخبگان و هنجارآوران و نسل جدید - وفاق اجتماعی متزلزل می‌شود؛ در چنین حالتی ... هویت‌یابی افراد یک جامعه مختل می‌شود و تضاد و



رابطه گفتمان انقلاب اسلامی و هویت ... (مصطفی نجفی و فرهاد زیویار) ۱۱۹

تنازع بین نسل‌ها منجر به وقوع چندگانگی‌های ارزشی؛ فرسایش فرهنگی، بحران هویت و زوال اخلاقی جامعه می‌شود که همه اینها در مجموع می‌تواند نابودی یک تمدن را در پی داشته باشد. (تاجیک؛ ۱۳۸۳؛ ۷۷)

در گذشته‌های نه چندان دور، هویت هیچ‌گاه به عنوان مسأله مهمی به شکل امروز مطرح نبود، زیرا زندگی افراد در مسیرهای تعیین شده که توسط اعتقادات و ارزش‌های سنتی هدایت می‌شد، حرکت می‌کرد، اما افول منابع هویت ساز سنتی، مثل الگوهای خانوادگی و ارزش‌های مذهبی از یک سو و رشد روز افزون و سریع الگوهای هویت ساز جدید مثل رسانه‌ها، تکنولوژی و به طور کلی، فرآیند نوسازی و توسعه، هویت افراد از خردترین تا کلانترین سطح آن دچار تغییر و دگرگونی شده است.

جی‌دان معتقد است که اهمیت و رواج فرآیندها سازه هویت اجتماعی و مضامین مربوط به آن در دوره معاصر، ناشی از واقعیتی است که دوران گذار - حرکت از جامعه سنتی به مدرن - نامیده می‌شود؛ دوره‌ای که تغییرات شدید هویتی را موجب شده است. (ر.ک: جی‌دان، ۱۳۸۵: ۱۱۳)

همچنین، تلاش خانواده‌ها و دولت‌ها برای یکپارچه کردن ابعاد هویتی و بازگرداندن هویت‌های از دست رفته با مقاومت‌هایی روبه‌رو می‌شود که در پی چهل تکه کردن ابعاد هویتی افراد است و این مسأله یکی از مهمترین چالش‌های فرهنگی زمانه ماست.

در بین ابعاد هویتی، بی‌شک عامترین سطح آن؛ یعنی هویت ملی، جایگاه ویژه‌ای دارد و استحکام و استقرار آن می‌تواند افراد را در برابر تغییرات سریع جهان امروز تا حد زیادی حفظ کند. هویت ملی علاوه بر ایجاد همبستگی میان افراد جامعه، مسیر و هدف جمعی آنان را نیز مشخص می‌کند. دولت‌ها با تکیه بر هویت ملی، نظام ارزشی مورد نظر خود را از طریق آموزش، تبلیغات و سایر ابزارهای جامعه‌پذیری به افراد جامعه القاء می‌کنند؛ بطوریکه هویت ملی، متغیری محوری در تعریف ارزش‌ها و هنجارهای جمعی افراد یک جامعه است. برای شاخص‌های هویت ملی خیل عظیمی از نویسندگان و نظریه‌پردازان مواردی را تعیین کردند که تنها برای نمونه به یک تقسیم‌بندی صورت گرفته از اندیشمندان خارجی و داخلی اشاره می‌کنیم:

- «کاستلز: ویژگی‌های مشترک فرهنگی؛ جنکینز: تعاملات اجتماعی؛ ارزش‌های زمان و مکان؛ تشابهات و تمایزات

- اسپایبرگر: تاریخ و اسطوره‌های مشترک فرهنگ عمومی شرایط اقتصادی و قوانین
- میلر: فرهنگ مشترک
- اسمیت و جارکو: زبان مشترک / نمادهای مشترک
- پاردي و ویلس: بعد سرزمینی / بعد فرهنگی (رستگار، ربانی؛ ۱۳۹۲: ۱-۲۰)
- در بعد داخلی نیز: ابعاد هویت ملی را در شش بخش فرهنگی، زبانی، اجتماعی، سرزمینی، سیاسی و دینی بررسی و تحلیل شده است ....
- میرمحمدی عناصر هویت ایرانی را در چهار دسته از ارزش‌های ملی، دینی، اجتماعی و انسانی طبقه‌بندی می‌کند (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۳۲۲-۳۲۳).
- گودرزی نیز شش بعد را برای هویت ملی در نظر می‌گیرد که عبارتند از: بعد اجتماعی، بعد تاریخی، بعد جغرافیایی، بعد سیاسی، بعد دینی و بعد فرهنگی - ادبی (گودرزی، ۱۳۸۳: ۱۱۳).

در نهایت، با توجه به تحقیقات انجام گرفته در گذشته و مبانی نظری مرتبط، شش بعد فرهنگی، زبانی، اجتماعی، سیاسی، قومیتی و دینی، استخراج و سنجش و تحلیل شده‌اند. با توجه به آنچه از نظر گذشت برای بررسی میزان تاثیرگذاری منابع درسی گروه معارف به ۶ شاخص فوق دست یافتیم در قسمت بعدی با به آزمون گذاشتن این شاخص‌ها با دانشجویان و ارتباط نتایج این آزمون‌ها با منابع درسی گروه معارف به نتایج مدنظر دست می‌یابیم.

## ۲. روش پژوهش

روش پژوهش در این تحقیق، به دو صورت است در بعد نظری از روش‌های اسنادی و کتاب‌خانه‌ای و در بعد پیمایشی از روش پرسش‌نامه‌ای. چرا که روش‌های اسنادی و کتاب‌خانه‌ای که در رابطه با آن از تکنیک تهیه پرسش‌نامه و تکنیک فیش‌برداری استفاده می‌شود، برای انجام چنین پژوهش‌هایی بسیار کاربردی است. بدین معنا که از روش اسنادی برای جمع‌آوری مطالب در مورد مباحث نظری استفاده شده است و پیمایش که طبق تعریف بیکر

توصیفی است از نگرش و رفتار جمعیتی بر اساس انتخاب نمونه ای تصادفی و معرف از افراد آن جمعیت و پاسخ آنها به یک رشته سوال به بیان دیگر روش پیمایشی که عام ترین نوع روش در تحقیقات اجتماعی به شمار می آید (بیکر، ۱۳۷۷: ۱۹۶)

روشی برای گردآوری داده ها است که در آن از گروه های معینی از افراد خواسته می شود به تعدادی پرسش مشخص، پاسخ دهند. این پاسخ ها مجموعه اطلاعات تحقیق را تشکیل می دهند.

در تحقیقات پیمایشی علاوه بر توصیف به تبیین پدیده ها نیز پرداخته می شود، بدین صورت که فرضیه هایی ساخته شده و سپس به آزمون کشیده می شوند؛ دواس نیز مشخصه پیمایش را شامل مجموعه ساختارمند یا منظمی از داده ها می داند که آن را ماتریس متغیر بر حسب داده های مورد می نامد. (دواس ۱۳۸۸: ۱۴ و ۲۱)

بطور کلی «پیمایش» یکی از روش های تحقیق اجتماعی است که در آن اعضای جامعه آماری به پرسش هایی در مورد موضوع مورد مطالعه محقق، پاسخ می دهند. آن ها این کار را یا از طریق پرکردن «پرسشنامه ای» که در اختیار آن ها قرار می گیرد و یا شفاهاً از طریق «مصاحبه» انجام می دهند. به عقیده برخی از جامعه شناسان، پیمایش بهترین شیوه روش تحقیق جامعه شناسانه است. به عبارت دیگر پیمایش شیوه سیستماتیک جمع آوری داده ها از طریق مصاحبه رودررو، تلفنی و یا پرسشنامه خود اجرا است که از طریق پست برای اعضای جامعه آماری فرستاده می شود و باز می گردد. (عضدانلو؛ ۱۳۸۸؛ ۱۶۵)

از آنجا که اعتبار گویه ها و سنجه ها به نحوه تعریف مفهوم مورد بررسی - بستگی دارد، پرسش نامه در نمونه محدود به تعداد ۲۵۰ عدد در جامعه آماری مساوی از دانشجویان دختر و پسر پخش شده است و برای ارزیابی پایایی سنجه ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضمن اینکه بعد از استخراج نتایج آزمون مقدماتی پرسشنامه نیز، برخی گویه ها مورد اصلاح و یا حذف یا اضافه قرار گرفته است.

کار تجزیه و تحلیل اطلاعات پس از گردآوری پرسشنامه و کدگذاری و استخراج آنها توسط رایانه با نرم افزار SPSS بر اساس فرضیات موجود صورت گرفته، خروجی ها به دو شکل توصیفی و استنباطی مورد بررسی قرار می گیرد؛ در قسمت توصیفی از جداول فراوانی، درصدها و ... استفاده شده و سپس به تحلیل آماری پرداخته می شود.

### ۳. یافته‌های تحقیق

از شش شاخصی که بعنوان «هویت ملی» یاد کردیم سوالاتی را طراحی کرده و بین آنها و کتب گروه معارف پیمایش را صورت دادیم؛ که به بخش‌هایی از این پیمایش اشاره می‌کنیم:

جمع	کاملاً موافقم	موافق	ممتنع	مخالفم	کاملاً مخالفم	میانگین (۱-۵)	گویه‌های مربوط به مؤلفه «علاقه به زبان و خط ملی»
۲۰۳	۷۶	۷۰	۴۲	۹	۶	تعداد	پاسداری از زبان فارسی وظیفه ملی است.
۱۰۰.۰	۳۷.۴	۳۴.۵	۲۰.۷	۴.۴	۳.۰	درصد	
۲۰۳	۴۷	۳۹	۴۴	۴۱	۳۲	تعداد	ایرانی بودن افتخاری ندارد.
۱۰۰.۰	۲۳.۲	۱۹.۲	۲۱.۷	۲۰.۲	۱۵.۸	درصد	

- گویه‌های مربوط به این مؤلفه به صورت منفی یا مثبت طرح شده‌اند.

- میانگین هر دو گویه از نقطه متوسط طیف بالاتر است.

۲۰۴	۲۱	۳۰	۶۲	۵۰	۳۹	تعداد	۲.۷۲	عضویت در جامعه ملی ایران هزینه دارد که من حاضرم آن را پرداخت نمایم.
۱۰۰.۰	۱۰.۴	۱۴.۹	۳۰.۷	۲۴.۸	۱۹.۳	درصد		
۲۰۳	۱۳۶	۴۶	۱۵	۴	۲	تعداد	۴.۵۵	عید نوروز، جشن ملی تمام ایرانی‌ها است.
۹۹.۵	۶۶.۷	۲۲.۵	۷.۴	۲.۰	۱.۰	درصد		
۲۰۳	۵	۱۲	۵۷	۵۷	۷۲	تعداد	۲.۱۳	[تاثیر دروس معارف] تبیین، توسعه، تعمیق بینش و نگرش دانشجویان درباره اسلام ناب محمدی (ص)
۹۹.۵	۲.۵	۵.۹	۲۷.۹	۲۷.۹	۳۵.۳	درصد		
۲۰۳	۴	۱۸	۵۹	۶۸	۵۴	تعداد	۲.۲۶	[تاثیر دروس معارف] آگاهی‌بخشی در جهت مقابله با عقاید، افکار و اندیشه‌های انحرافی روز
۹۹.۵	۲.۰	۸.۸	۲۸.۹	۳۳.۳	۲۶.۵	درصد		
۲۰۳	۵	۱۵	۵۱	۷۵	۵۷	تعداد	۲.۱۸	[تاثیر دروس معارف] پاسخگویی مناسب و صحیح به شبهات اساسی
۹۹.۵	۲.۵	۷.۴	۲۵.۰	۳۶.۸	۲۷.۹	درصد		

۲۰۴	۳	۱۹	۴۵	۶۶	۷۰	تعداد	۲.۱۱	[تاثیر دروس معارف] تقویت غیرت دینی و هویت اسلامی و ملی دانشجویان
۱۰۰.۰	۱.۵	۹.۴	۲۲.۲	۳۲.۵	۳۴.۵	درصد		

رابطه گفتمان انقلاب اسلامی و هویت ... (مصطفی نجفی و فرهاد زیویار) ۱۲۳

۲۰۳	۳	۱۹	۴۵	۶۶	۷۰	تعداد	۲۰۱۶	[تأثیر دروس معارف] فراهم کردن زمینه‌های رشد فضایل اخلاقی و تزکیه دانشجویان
۹۹.۵	۱.۵	۹.۳	۲۲.۱	۳۲.۴	۳۴.۳	درصد		
۲۰۴	۱۲	۱۸	۴۵	۵۷	۷۲	تعداد	۲۰۹۰	[تأثیر دروس معارف] احتیاج به ارتقای دانش دینی‌ام دارم.
۱۰۰.۰	۵.۹	۸.۸	۲۲.۱	۲۷.۹	۳۵.۳	درصد		
۲۰۴	۱۱	۱۵	۳۶	۵۹	۸۳	تعداد	۲۰۰۸	کلاس دروس معارف اسلامی باعث افزایش و تحکیم ارزشهای دینی شده است.
۱۰۰.۰	۵.۴	۷.۴	۱۷.۶	۲۸.۹	۴۰.۷	درصد		

- گویه‌های مربوط به این مؤلفه به صورت منفی و مثبت و بصورت پراکنده طرح شده‌اند.
- میانگین تعدادی از گویه‌ها از نقطه متوسط طیف پایین‌تر و تعدادی دیگر بالاتر از نقطه متوسط است.
- کمترین میانگین مربوط به گویه «کلاس دروس معارف اسلامی باعث افزایش و تحکیم ارزش‌های دینی شده است» با میانگین ۲۰۰۸ است که ۶۹.۶ درصد پاسخگویان با این گویه مخالفت کرده‌اند و فقط ۱۱.۸ درصد با این گویه موافقت کرده‌اند و بیشترین میانگین مربوط به گویه «عید نوروز، جشن ملی تمام ایرانی‌ها است.» با میانگین ۴.۵۵ است که در این گویه ۳ درصد با این گویه مخالفت کرده و ۸۹.۲ درصد نیز موافقت کرده‌اند.

جمع	کاملاً موافقم	موافق	ممتنع	مخالفم	کاملاً مخالفم	میانگین (۱-۵)	گویه‌های مربوط به مؤلفه «حس میهن‌دوستی»
۲۰۴	۷۶	۵۹	۲۸	۲۰	۲۱	تعداد	علاقه‌ای به موسیقی سنتی ایرانی ندارم.
۱۰۰.۰	۳۷.۳	۲۸.۹	۱۳.۷	۹.۸	۱۰.۳	درصد	
۲۰۴	۵۷	۸۱	۴۶	۱۳	۷	تعداد	برای توسعه ایران تمام تلاش را خود را به کار می‌گیرم.
۱۰۰.۰	۲۷.۹	۳۹.۷	۲۲.۵	۶.۴	۳.۴	درصد	
۲۰۳	۸۷	۵۹	۳۷	۱۶	۴	تعداد	با دیدن تخت جمشید و پاسارگارد احساس غرور می‌کنم.
۱۰۰.۰	۴۲.۹	۲۹.۱	۱۸.۲	۷.۹	۲.۰	درصد	
۱۹۹	۶۵	۷۰	۳۲	۲۴	۸	تعداد	شناخت از تاریخ گذشته ایران، برایم اهمیت ندارد.
۱۰۰.۰	۳۲.۷	۳۵.۲	۱۶.۱	۱۲.۱	۴.۰	درصد	

۱۲۴ جستارهای سیاسی معاصر، سال ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱

۲۰۴	۱۰	۲۲	۳۸	۶۴	۷۰	تعداد	۲.۲۰	تقویت وطن پرستی و وطن دوستی [دروس معارف]
۱۰۰.۰	۴.۹	۱۰.۸	۱۸.۶	۳۱.۴	۳۴.۳	درصد		
۲۰۴	۱۷	۱۵	۳۶	۴۲	۹۳	تعداد	۲.۱۲	کلاس‌های دروس معارف اسلامی تا چه حد جذاب و با نشاط است؟
۱۰۰	۸.۳	۷.۴	۱۷.۶	۲۰.۶	۴۵.۶	درصد		
۲۰۴	۵	۱۶	۶۰	۵۳	۶۸	تعداد	۲.۱۹	به نظر شما کتب درس انقلاب اسلامی چقدر واقعیات دوران پهلوی را درست بیان کرده است؟
۱۰۰	۲.۵	۷.۹	۲۹.۷	۲۶.۲	۳۳.۷	درصد		
۲۰۴	۹	۱۲	۶۰	۶۶	۵۶	تعداد	۲.۲۷	چه مقدار ارائه دروس معارف را در ارتقاء سلامت معنوی مفید ارزیابی می‌کنید؟
۱۰۰	۴.۴	۵.۹	۲۹.۴	۳۲.۴	۲۷.۵	درصد		

جمع	کاملاً موافقم	موافق	نه مخالف، نه موافق	مخالفم	کاملاً مخالفم	میانگین (۱-۵)	حس ناعتماد به نفس و خودباوری
۲۰۳	۸	۱۸	۳۸	۴۷	۹۲	تعداد	نسبت به گذشته ترغیب شدم بیشتر به مطالعه دروس معارف پردازم.
۱۰۰.۰	۳.۹	۸.۹	۱۸.۷	۲۳.۲	۴۵.۳	درصد	
۲۰۴	۸	۲۰	۴۸	۵۱	۷۷	تعداد	نسبت به فرهنگ ایرانی اسلامی‌ام علاقه مندرت شدم.
۱۰۰.۰	۳.۹	۹.۸	۲۳.۵	۲۵.۰	۳۷.۷	درصد	
۲۰۴	۴۵	۶۵	۴۳	۳۵	۱۶	تعداد	احساس می‌کنم در جامعه، شهروند ارزشمندی نیستم.
۱۰۰.۰	۲۲.۱	۳۱.۹	۲۱.۱	۱۷.۲	۷.۸	درصد	
۲۰۴	۱۰	۱۳	۳۸	۵۳	۹۰	تعداد	حضور در کلاس دروس معارف اسلامی باعث امید و روحیه به زندگی شده است
۱۰۰.۰	۴.۹	۶.۴	۱۸.۶	۲۶.۰	۴۴.۱	درصد	
۲۰۴	۷	۲۷	۵۰	۵۱	۶۹	تعداد	شرکت در کلاس دروس معارف اسلامی تاثیر مثبتی در من به وجود آورده است.
۱۰۰.۰	۳.۴	۱۳.۲	۲۴.۵	۲۵.۰	۳۳.۸	درصد	
۲۰۴	۸	۱۳	۴۵	۷۰	۶۸	تعداد	عناوین و محتوای دروس معارف اسلامی با نیازها و سؤال‌های شبهات متناسب می‌دانید؟
۱۰۰.۰	۳.۹	۶.۴	۲۲.۱	۳۴.۳	۳۳.۳	درصد	

#### ۴. بحث و نتیجه گیری

با توجه به جداول و پیمایش به عمل آمده بطور مشخص موانع تأثیرگذاری دروس معارف، بر روی مخاطبین را می توان در سه بعد تحلیل کرد:

۱. ضعف در هویت سازی (عدم توجه به الگوی حقارت اجتماعی): متأسفانه اکثر کتب دروس معارف که توسط نشر معارف به چاپ می رسد دارای قدمتی طولانی بوده و از حیث به روزرسانی بسیار کهن سال می نماید؛ بعنوان مثال در درسی مانند درس «انقلاب اسلامی و ریشه های آن» هنوز کماکان به ارائه مطالبی دستچین شده و روایی از تاریخ قاجار و پهلوی بسنده شده؛ در حالیکه انقلاب اسلامی یک حادثه تاریخی نبوده، بلکه یک گفتمان جاری و در حال تکامل است؛ و قطعاً سولاتی که جوانان امروزی از انقلاب دارند؛ دیگر صرفاً چرایی وقوع انقلاب در سال ۵۷ به تنهایی نیست؛ بعنوان مثال مساله ای مانند صنعت هسته ای یا صنایع دفاعی ایران در حال حاضر که محل مناقشات بین المللی کشور در ۳۰ سال گذشته بوده به مراتب برای دانشجوی امروزی مهمتر است تا مثلاً قرارداد کاپیتالاسیون در دوران پهلوی! ولیکن مع الاسف کوچکترین اشاره ای در این خصوص در کتب درس انقلاب و یا سایر کتب معارف مشاهده نمی شود؛ بنابراین عدم توجه به نیاز مخاطبین در این دروس از بزرگترین معضلات آن است؛ در این خصوص مهمترین پیشنهاد، تخصصی کردن پژوهشگاه فرهنگ و معارف در نهاد رهبری دانشگاه ها و بررسی دوباره متون و چاپ مجدد کتب با مفاهیم جدید است.

۲. ضعف در ارزش گذاری و اقناع مخاطب: اگر به گویه ها و سولات مورد پرسش در جداول فوق؛ دقت شود، گویه: «عناوین و محتوای دروس معارف اسلامی با نیازها و سؤال های شبها متناسب می دانید» - ۳۳.۳ درصد کاملاً مخالف و ۳۴.۳ مخالف بودند؛ یکی از مهم ترین معضلات در کتب دروس معارف ضعف در ارزش گذاری و اقناع مخاطب است؛ در بسیاری از موارد کلی گویی ها، ترس از عنوان کردن نظرات مخالفین و باقی نگذاشتن فضایی برای بحث و تبادل نظر در این دروس و... به قدری شدت می گیرد که از نظر مخاطب دانشجو فضای کتاب از دایره انصاف و یا حتی حقیقت خارج شده است.

بعنوان مثال در همین پیمایش سوال: «به نظر شما کتب درس انقلاب اسلامی چقدر واقعیات دوران پهلوی را درست بیان کرده است؟» بیش از ۵۰ درصد مخالف داشته است و موافقین این گزینه کمتر از ۱۰ درصد ارزیابی شده اند؛ در حالیکه در بین کتب دروس معارف درس انقلاب اسلامی از همه دروس بیشترین ارتباط را با ماهیت انقلاب اسلامی دارد و این

نگاه دانشجوی به رسمی‌ترین کتاب درسی که بصورت تخصصی به مقوله انقلاب پرداخته است، بسیار خطرناک و قابل تأمل است.

پیشنهاد مشخصی که در این خصوص می‌توان ارائه کرد؛ استفاده حداکثری از اساتید علوم تربیتی و آموزش و همچنین بهره‌گیری از طیف کثیری از مشاورین روانشناس، مورخ، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی است که با بررسی دقیقتر متون و استفاده از روش‌های مهارتی و ابزارهای کمک آموزشی تحولی شگرف در گروه معارف و دروس آن بوجود بیاورند.

۳. ضعف در نوآوری و جذابیت: از دیگر مسائل و معضلات کتب درسی گروه معارف مع‌الاسف عدم جذابیت و تکراری بودن بسیاری از مسائل است؛ بطوریکه مفاهیم معرفتی که یک دانشجو از دوران دبیرستان تا مقطع کارشناسی با آن روبرو بوده، میزان بسیار کمی تفاوت پیدا کرده است و تقریباً تمامی سرفصل‌هایی که دانشجو در کتاب تاریخ معاصر دبیرستان خوانده در درس انقلاب و سرفصل‌هایی که در دروس تعلیمات دینی و آئین زندگی در دبیرستان خوانده همگی با اندکی تغییر در دروس اندیشه اسلامی با آن روبرو می‌شود. نکته حائز اهمیت دیگری در این خصوص وجود دارد که این کتاب‌ها بصورت مشترک در تمامی رشته‌های انسانی، فنی، پزشکی و... تدریس می‌شوند؛ متأسفانه عدم برقراری ارتباط میان مفاهیم با رشته‌های مختلف؛ عدم اندیشه‌ورزی در جذاب کردن مطالب و... باعث رویگردانی دانشجویان از این مفاهیم و دروس هستند. در این خصوص پیشنهاد می‌شود نهاد رهبری در دانشگاه‌ها با استفاده از ظرفیت حوزه شهید بهشتی، اقدام به تربیت مبلغین حاذقی از رشته‌های مختلف در دانشگاه‌ها به عمل آورد و از همین تربیت‌یافتگان خود در راستای ترویج و تدوین کتب معارف بهره‌بردار. بعنوان مثال: قطعاً یک طلبه مهندس یا پزشک بهتر از هر کسی دیگر می‌تواند کتاب درسی‌ای را طراحی کند که برای دانشجویان فنی و یا پزشکی هم مفیدتر و هم جذاب‌تر باشد و در عین حال مفاهیم مورد نظر در این دروس نیز منتقل شود.


### کتاب‌نامه

- اکبری، ابوالقاسم؛ ۱۳۸۱؛ مشکلات نوجوانان و جوانان؛ تهران: ساوالان، چاپ دوم
- تاجیک، محمدرضا؛ ۱۳۸۳؛ شکاف یا گسست نسلی در ایران امروز: تحلیل‌ها، تخمین‌ها و تدبیرها؛ تهران: مرکز مطالعات استراتژیک
- جی دان، روبرت؛ ۱۳۸۵؛ نقد اجتماعی پست مدرنیسم و هویت بحران؛ صالح نجفی؛ تهران: انتشارات پردیس دانش.



رابطه گفتمان انقلاب اسلامی و هویت ... (مصطفی نجفی و فرهاد زیویار) ۱۲۷

- ازکیا، مصطفی و دربان، آستانه؛ ۱۳۸۲؛ روش‌های کاربردی تحقیق؛ تهران؛ کیهان.
- شاملو، سعید؛ ۱۳۸۲؛ مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت؛ تهران؛ رشد.
- شولتز، دوان؛ ۱۳۸۴؛ نظریه‌های شخصیت؛ کریمی و همکاران، تهران؛ نشر ارسباران.
- کاتلر، فلیپ؛ ۲۰/۱۱/۱۳۸۹؛ تئوری‌های تغییر رفتار؛ وحیدمنش، عطیه؛ هاشم‌خانی، میثم؛ روزنامه دنیای اقتصاد؛ روزنامه شماره ۲۲۹۳؛ شماره خیر: ۶۴۲۱۰۶
- کریمی، یوسف؛ ۱۳۸۵؛ تاریخچه و مکاتب روان‌شناسی؛ تهران؛ انتشارات پیام نور.
- نجفی، مصطفی؛ ۱۳۹۴؛ نبرد در گرای ۹-۴۶: بررسی زمینه‌ها و علل وقوع انقلابها از منظر روانشناسی اجتماعی؛ تهران؛ انتشارات فارسیران
- دواس، دی.ای.د؛ ۱۳۸۸؛ پیمایش در تحقیقات اجتماعی؛ هوشنگ نایی؛ تهران، نی؛ چاپ دوازدهم
- یاسر رستگار، علی ربانی؛ تابستان ۱۳۹۲؛ تحلیلی بر وضعیت هویت ملی و ابعاد ششگانه آن در بین شهروندان شهر اصفهان؛ نشریه علمی پژوهشی جامعه‌شناسی کاربردی (دانشگاه اصفهان)؛ مقاله ۱، دوره ۲۴، شماره ۲، صفحه ۱-۲۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی